

# بهره‌گیری از جاذبه‌های توریستی

## راهبردی نو در توسعه سیستان

عیسی ابراهیم زاده

و

فراهرز بریمانی

اعضاء هیأت علمی گروه جغرافیا دانشگاه سیستان و بلوچستان

### چکیده:

گردشگری منشوری کثیرالوجه است که کارکردهای مختلفی از آن مستفاد می‌شود از اینرو در چند دهه اخیر در کشورهای مختلف جهان جهش فوق‌العاده‌ای یافته و سهم قابل توجهی از درآمد ملی را به خود اختصاص داده است.

بایستگی‌های اجتماعی، اقتصادی توریسم و وجود زمینه‌های مناسب از جاذبه‌های طبیعی تاریخی و فرهنگی فراوان در ایران، موجب بهره‌گیری دولت از آن در برنامه‌های پنجساله اول و دوم توسعه گردید.

هدف از این مقاله بهره‌گیری از پتانسیل‌های منطقه‌ای در جهت اهداف برنامه توسعه است که بطور موردی سیستان به دلیل سوابق درخشان تاریخی، آثار فراوان باستانی (شهرسوخته، دهانه غلامان...)، بعلاوه، موقعیت جغرافیایی مطلوب و جاذبه‌های طبیعی (دریاچه هامون، مخازن چاه نیمه...) مورد مطالعه قرار گرفت و راهبردهای لازم در توسعه منطقه پیشنهاد گردیده است.

### مقدمه

امروزه انسان به دنبال غلبه نسبی بر طبیعت با تغییر نوع نگرش نسبت به مسائل طبیعی و انسانی روبروست از یک سو سعی در برآورده کردن نیازهای اساسی خویش داشته و از سوی دیگر تأمین این نیازها را با تأکید بر حفظ محیط زیست خود جستجو می‌نماید. به عبارت دیگر نه تنها خواهان

ایجاد روابط انسانی با هم‌توعان خویش است بلکه خواهان ایجاد روابط انسان‌گرایانه با طبیعت اطراف خود می‌باشد. از این رو بیشتر کشورهای جهان در صدد خلق فعالیتی جدید به عنوان چهارمین بخش از فعالیت‌هایی انسانی تحت عنوان توریسم بوده و در واقع سخن از تمدنی جدید به عنوان تمدن فراغتی به میان می‌آورند. در چنین شرایطی هر یک از کشورها سعی در بهره‌گیری از توانها و جاذبه‌های محیطی، فرهنگی، تاریخی... که با نقش فراغتی انسان در رابطه است داشته و چنین سیاستی را در برنامه‌های توسعه اقتصادی اجتماعی فرهنگی جمهوری اسلامی نیز می‌توان مشاهده کرد. در راستای تحقق این اهداف در این‌نوشته، تلاش شده است ضمن معرفی توانهای بالقوه، راهبردهای علمی توسعه توریسم در سیستان بررسی و ارائه گردد.

### توریسم و جایگاه آن در دنیا:

اصطلاح توریسم از قرن نوزدهم به معنای امر روزی آن معمول شد و از آن زمان تاکنون تعاریف گوناگونی از آن ارائه شده است. بنا به تعریف سازمان جهانی، جهانگرد، توریست یا سیاح کسی است که به کشور یا شهری غیر از محیط زیست عادی خود برای مدتی که کمتر از یکسال نباشد سفر کند، و قصدش از سفر تفریح، استراحت، ورزش، دیدار اقوام و دوستان، کسب و کار، مأموریت، شرکت در سمینار، کنفرانس یا اجلاس، معالجه، مطالعه و تحقیق یا فعالیت‌های مذهبی باشد.<sup>(۱)</sup>

بنابر تعریف فوق گردشگری منشوری کثیرالوجه است که کارکردهای مختلفی از تفریح و استراحت و تعامل اجتماعی و... از آن مستفاد می‌شود. به دلایل و با بستگی‌های اقتصادی اجتماعی در دهه‌های اخیر، صنعت توریسم و جهانگردی در کشورهای مختلف جهان جهش فوق‌العاده‌ای یافته و سهم قابل توجهی از درآمد ملی را به خود اختصاص داده است.

بنا به گزارشات موجود صنعت توریسم از میزان نقل و انتقالات مالی بین‌المللی در سال ۱۹۹۴ با ۵۳۲ میلیون نفر از ۳۳۵ میلیارد دلار برخوردار بوده است. بدین‌سان صنعت توریسم عملاً به عنوان یک محرکه مهم در فعالیت‌های اقتصادی کشورهای جهان خودنمایی می‌کند. چنانکه کشور یونان در سال ۱۹۹۰ با حدود ۱۰ میلیون نفر جمعیت، به‌میزان بیش از ۱۰ میلیون جهانگرد را پذیرا بوده و بیش از ۵ میلیارد دلار درآمد از وی از این رهگذر نصیب این کشور گردیده است. یا کشور کوچکی مثل قبرس

در حدود ۳۵/۰ درصد ارزی خود را در همان سال از طریق صنعت توریسم تأمین کرده است.<sup>(۲)</sup>

### جایگاه جهانگردی در ایران:

همچنانکه بسیاری از کشورها از صنعت توریسم به عنوان عامل تعیین کننده در توسعه اقتصادی و بعضاً تأمین بخش مهمی از درآمد ملی خویش سود می جویند، چنین می نماید که کشور ما نیز با جاذبه های طبیعی، تاریخی و فرهنگی فراوان، نه تنها می تواند، بلکه ضرورتاً باید بدون از دست دادن فرصت ها در جهت رهایی از اقتصاد تک محصولی وابسته به نفت، به بهره گیری هر چه بیشتر از این جاذبه ها بپردازد. زیرا به موازات رشد چشمگیر صنعت توریسم در جهان، با وقوع انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷، به لایل و شرایط حاکم بر کشور و فقدان وحدت نظر، در میان مسؤولان و برنامه ریزان شاهد سیر نزولی ورود جهانگردان خارجی به کشور بوده ایم. بطوریکه تعداد جهانگردان وارد شده به کشور طبق جدول شماره (۱) از ۶۵۷۹۳۰ نفر در سال ۱۳۵۵ به ۸۵۸۰۱ نفر در سال ۱۳۶۶ کاهش یافته است. لذا از این حیث کشور باستانی ما علی رغم دارا بودن سابقه کهن و درخشان فرهنگی و شرایط مساعد طبیعی و برخورداری از جایگاه ویژه در جغرافیای سیاسی و اقتصادی جهان و منطقه و همچنین موقعیت مکانی مناسب در فضای ارتباطی میان شرق و غرب تنها با ثبت سه عنصر (چغازنبیل - تخت جمشید - میدان امام) در یونسکو، در ردیف یکی از فقیرترین کشورهای توریست پذیر جهان و در واقع در رتبه سیزدهم از ۱۵ کشور باستانی جهان قرار دارد.<sup>(۳)</sup>

جدول شماره (۱): خارجیان وارد شده به کشور بر حسب جهانگرد و غیرجهانگرد:<sup>(۴)</sup>

سال	جهانگرد	غیر جهانگرد	جمع
۱۳۵۵	۶۵۷۹۳۰	۴۰۳۶۱	۶۹۸۲۹۱
۱۳۶۰	۱۶۷۴۷۳	۵۳۷۱۹	۲۲۱۱۹۲
۱۳۶۵	۸۵۸۰۱	۸۶۰۳۷	۱۷۱۸۳۸
۱۳۷۰	۲۴۹۱۰۳	۱۵۹۴۲۳	۴۰۸۵۲۶
۱۳۷۱	۲۷۵۶۷۲	۱۵۴۱۷۶	۴۲۹۸۴۸
۱۳۷۲	۳۱۱۲۴۳	۱۶۱۴۴۵	۴۷۲۶۸۸

در مقابل این روند نزولی تعداد خروج اتباع ایرانی پیوسته افزایش یافته است. بطوریکه این تعداد از ۷۱۶ هزار نفر در سال ۱۴۵۵ به بیش از ۱۱۷۴۰۲۵ نفر در سال ۱۳۶۲ افزایش یافته است.<sup>(۵)</sup> علاوه بر آن به دلیل شرایط خاص سالهای اول انقلاب و نیازهای اجتناب‌ناپذیر جنگ تحمیلی و... تأسیسات اقامتی و پذیرایی زیادی از کاربری خود خارج شده و مورد استفاده ارگانها و سازمانهای مختلف کشور قرار گرفته‌اند. بر اساس جدول شماره (۲) از ۲۹۷ واحد تأسیسات جهانگردی از رده خارج شده، مجموعاً تعداد ۱۰۲۹۰ اتاق و یا ۲۰۰۲۹ تخت را شامل می‌شده است، که اگر بخواهیم این کمبود را جبران نماییم چیزی در حدود ۲۰ واحد ۵۰۰ اتاقه در مقیاس هتل استقلال تهران نیاز خواهیم داشت، تا به موجودی سال ۱۳۵۶ دست یابیم.<sup>(۶)</sup>

جدول شماره (۲): تغییرات کاربردی و نسبت آنها در تأسیسات از رده خارج شده.<sup>(۷)</sup>

نوع کاربری	تعداد دستگاه	درصد
اسکان مهاجرین جنگی	۱۰	۱۱/۱
تبدیل به مرکز پزشکی	۱۰	۳/۴
تبدیل به مسکونی	۷	۲/۴
تبدیل به مسافرخانه	۱۰۹	۳۶/۷
تخریب و متروکه	۴۷	۱۵/۸
تبدیل به واحدهای تجاری و اداری	۳۶	۱۲/۱
تبدیل به واحدهای آموزشی	۵	۱/۷
تبدیل به سایر کاربریها	۶	۲
جمع	۲۹۷	۱۰۰

در چنین شرایطی بود که در برنامه پنجساله اول توسعه ۷۲-۱۳۶۷ بخش ایرانگردی با تأکید بر اهداف کیفی زیر، تولدی دوباره می‌یابد:

- شناساندن فرهنگ و تمدن ایرانی، اسلامی به جهانیان

- ایجاد زمینه‌های مناسب برای صدور انقلاب اسلامی از طریق توسعه صنعت جهانگردی و آشنایی مردم با نظام فرهنگ و تمدن جهان

- شناسایی نقاط طبیعی و دیدنی در سراسر کشور و ترغیب مردم به بازدید از این نقاط در اوقات فراغت به منظور آشنا شدن مردم نقاط مختلف با یکدیگر و تحکیم وحدت مردم در بحث از استراتژیهای این برنامه، الویت دادن به اصل خودکفایی، گسترش مبادلات و همکاریهای بین‌المللی و تقویت همبستگی بین مسلمانان استفاده از هنرهای سنتی و محصولات داخلی به عنوان محورهای اساسی در زمینه صنعت توریسم در نظر گرفته شده است. به دنبال این اقدام از نظر تعداد، جهانگردان خارجی ۴۱ درصد رشد یافته است. در برنامه اول توسعه پیش‌بینی شده بود که طی دوره برنامه حدود ۹۰۰ هزار توریست به کشور وارد شوند به همین ترتیب درآمد حاصل از این تعداد در کل برنامه ۴۵۰ میلیون دلار برآورد شده است. این پیش‌بینی حتی اگر تحقق کامل نیز یافته باشد باز هم کوچکترین تغییر محسوسی در کلیت بحران به وجود نیامده است. چرا که در مقابل ورود ۹۰۰ هزار توریست به کشور و تحصیل ۴۵۰ میلیون دلار در طول برنامه تنها در ۳ سال اول برنامه یعنی سالهای ۱۳۶۸، ۱۳۶۹، ۱۳۷۰، که آمارهای آن منتشر شده بیش از ۲/۷ میلیون نفر ایرانی به خارج سفر کرده‌اند و اگر مجموع خروجیهای سال ۷۱ و ۷۲ را براساس وضعیت سال ۷۰ حدود ۲/۳ میلیون نفر برآورد کنیم مجموعاً در طی برنامه اول در مقابل ۹۰۰ هزار توریست وارد شده به کشور ۵ میلیون نفر ایرانی از کشور خارج شده‌اند حتی اگر هزینه‌های انجام شده و ارز انتقال یافته توسط آنان را با هم برابر فرض کنیم در مقابل ۴۵۰ میلیون دلار درآمد بیش از ۲/۵ میلیارد دلار هزینه و خروج ارز از کشور داشته‌ایم. بیلان منفی این مبادله بیش از ۲ میلیارد دلار است.<sup>(۸)</sup> از این رو در برنامه دوم توسعه با اولویت دادن به صنعت توریسم و نقش اقتصادی و فرهنگی آن به این صنعت توجه بیشتری شده است. در نتیجه شاهد برگزاری سمینار، گردهمایی، همایش از سوی استانها (کردستان، همدان، ایلام، آذربایجان، سمنان، گیلان، کرمان...) بوده‌ایم و تنها در نیمه اول سال ۷۴ (تا آذرماه ۷۴) مقالات متعددی از سوی مطبوعات و جراید برای تحرك بخشیدن این امر به چاپ رسیده است (جدول شماره ۳).

جدول شماره (۳): تعداد مقالات چاپ شده در نیمه سال ۷۴ به تفکیک جریده (۹)

نشریات	تا آذرماه ۷۴
اطلاعات	۶۵
کیهان	۶۰
ایران	۹۰
همشهری	۴۶
سلام	۴۶
رسالت	۱۴
جمهوری اسلامی	۲۷
ایربر	۷۷
سایر	۵۷

### جایگاه صنعت گردشگری در استان سیستان و بلوچستان

موقع جغرافیایی از مهمترین عوامل طبیعی است که نه تنها در شکل و نوع سکونتگاه‌های انسانی مؤثر می‌افتد، بلکه می‌تواند در پیشرفتهای اقتصادی، وسایل دفاعی، افکار و عقاید سیاسی جامعه حتی در ایجاد و گسترش شاهرهای می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای داشته باشد.

واقع شدن استان با وسعت ۱۸۷۰۰۰ کیلومتر مربع در جنوب شرق ایران و در همسایگی شبه قاره هند بدان موقعیت ویژه‌ای بخصوص از بعد توریسم بخشیده است که در صورت بهره‌گیری از چنین موقعیتی می‌توان به اهداف یاد شده در برنامه دست یافت.

علی‌رغم بی‌برنامگی و بی‌توجهی به موقعیت جغرافیایی این استان سهم نسبتاً خوبی در مبادی ورودی توریسم داشته است. بنابر آمار منتشره در سال ۱۳۷۳ از صد درصد توریست ورودی ۶۰ درصد آن از طریق مرزهای زمینی وارد کشور شده‌اند که ۱۷/۶ درصد آنان از طریق مرز میرجاوه (زاهدان) وارد شده‌اند که در مقایسه با

مبادی ورودی مقام اول را دارا بوده است. (جدول شماره ۴)

جدول شماره (۴): تعداد ورودی جهانگردان خارجی بر حسب مرزهای ورودی زمینی در سال ۱۳۷۳<sup>(۱۰)</sup>

مرزهای زمینی	تعداد به نفر
مرز زمینی میرجاوه	۶۳۵۲۱
مرز زمینی تایباد	۸۵۵۴
مرز زمینی بازرگان	۳۰۳۹۲
مرز زمینی خسروی	۲۱۱۹۳
سایر مرزهای زمینی	۹۲۳۶۲

از نظر ملیت ۳۵/۷ درصد جهانگردان متعلق به کشورهای آسیا جنوب شرقی و کشورهای اقیانوسیه و آسیای شرقی بوده‌اند که کشور پاکستان با ۲۳/۶ درصد مقام اول را داشته است. هر سهم درآمدهای ارزی وارد شده از این کشورها ۲۶/۵ درصد بوده... با وجود این سودمندیها در طول سال ۷۳ تنها ۳۴۲۸ نفر مسافر خارجی در هتل‌های استان اقامت گزیده‌اند که در مقایسه با ۶۳۵۲۱ مسافر خارجی وارد شده سال ۷۳ از مرز میرجاوه (با فرض همین تعداد برای سال ۷۴) فقط ۵/۳ درصد در استان اقامت یافته و ۹۴/۷ دیگر به دلایل گوناگون حاضر به اقامت حتی برای یک شب در استان نشده‌اند. اگر درآمد ارزی ورودی سال ۱۳۷۰ را مینا قرار دهیم در این سال در ازای ۳۲۰ هزار توریست، ۱۷۰ میلیون ارز وارد کشور شده است. یعنی به ازای هر توریست ۵۳۱ دلار درآمد ارزی داشته با فرض یک دوره ده روزه، هر توریست روزانه ۵۳ دلار هزینه کرده است، بنابراین در صورت فراهم بودن امکانات و وجود جاذبه یا توقف فقط یک شبانه‌روز در سطح استان باید  $۳۳۶۶۶۱۳ = ۶۳۵۲۱ \times ۵۳$  دلار جذب استان می‌شده است، در حالی که به طور متوسط  $۱۸۱۶۸۴ = ۳۴۲۸ \times ۵۳$  دلار جذب کرده است. در واقع  $۳۱۸۴۹۲۹$  دلار از دست داده است. این ارقام نشان می‌دهد استان نتوانسته است از این عامل جغرافیایی در سطح منطقه‌ای استفاده نماید. از طرفی غیر

از کسب درآمد ارزی، نتایج دیگری نیز از بعد فرهنگی بر آن متصور است که در صورت بهره‌گیری هر چه بیشتر از این موقعیت در صنعت توریسم می‌توان از آن بهره‌مند گردید.

### موقعیت و زمینه‌های بالقوه جهانگردی در سیستان:

سیستان با وسعتی حدود ۱۸۰۰۰ کیلومتر مربع در شمال شرق استان سیستان و بلوچستان واقع شده است، که به لحاظ تاریخی خود، ایران کوچکی است، اما به دلایل مختلف از جمله انزوای جغرافیایی (isolation) اقتصادی، اجتماعی، همچنین فقدان نهادهای سیاسی و شخصیت‌های ذی‌نفوذ برای جلب توجه برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران، در طول تاریخ زمینه‌های بهره‌گیری از موقعیت‌های جغرافیایی و تاریخی آن فراهم نشده است.

این در حالی است که کمتر عنصر فرهنگی در جهان می‌توان یافت که شاهنامه را نشناسد، نامی از رستم و سهراب، سیاوش و... نشنیده باشد، و با نام سیستان آشنا نباشد.

اگر با یک سفر به تخت جمشید عظمت و شکوه ایران را یکجا تجسم... و حتی احساس ابرقدرتی می‌کنیم (اشاره‌ای است بر مصاحبه تلویزیونی رئیس جمهوری، حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی)، آیا همین احساس را در سیستان که نیمروزش خوانند نخواهید داشت؟ آیا نام و نشانی از آن همه شاهکارهای فردوسی می‌بینید؟ براستی اگر یک نهاد یا چهره سیاسی، فرهنگی دانشگاه هنری می‌ساخت و سیستان را به صحنه‌هایی از تراژدی بزرگ شاهنامه بدل می‌ساخت در این صورت کدام ایرانی آرزوی دیدن استانی به وسعت تاریخ را در یکجا نمی‌داشت؟ اما افسوس در بین این همه چهره‌ها و حماسه‌ها و تراژدی‌ها تنها یک چهره می‌بینی از رستم که رستم نیست! (اشاره به مجسمه شوالیه ایتالیایی در میدان رستم، در ورودی شهر زابل) در عوض بجای آن همه تراژدی‌ها، تاسوکی ساخته می‌شود که به جای جذب می‌گریزند. (اشاره به فیلم سینمایی که در تاسوکی به همین نام ساخته شده است) چرا نباید بچه‌های ما از طریق ساختن انیمیشن‌های ایرانی که سرشار از دلاوریها و سنجایای



اخلاقی است خود را همدل و هم‌نوا با نیمروزیان ببیند؛ ولی ساعتها وقتشان را با کارتن‌های ژاپنی و چینی و اروپایی که بعضاً خالی از انگیزه‌های انسانی و عدالت خواهی است بگذرانند، مسؤولیت این قصور با چه کسی است؟ اما خوشبختانه یک بازآفرینی در سیستان در حال تحقق است بنام چاه‌نیمه که مأمین مسافران فردا خواهد بود. اگر از گذشته دور در این استان خشتی گذاشته می‌شد با تداوم آن در نسلها، امروز شاهد تمدن نیمروزها بودیم و اینک به دنبال آثار تمدن در زیر خروارها خاک (شهر سوخته) نمی‌گشتیم. پس باید خشت چنین آثاری از جاذبه‌های انسانی و طبیعی را نهاد. خوشبختانه در این سرزمین کهن و باستانی، مجموعه‌ای از زمینه‌ها و موقعیت‌های جغرافیایی، منطقه‌ای، تاریخی و... وجود دارد، که می‌توان از آن بدین منظور بهره‌گرفت.

### موقعیت جغرافیایی سیستان و جایگاه بازارچه‌های مرزی آن در جلب گردشگران

همسایگی با دو کشور دوست، مسلمان و برادر افغانستان و پاکستان و مهمتر از آن برخوردار بودن از موقعیت ارتباطی با شبه قاره هند از یکسو و آسیای مرکزی از سوی دیگر زمینه مناسبی را از بعد موقعیت تجاری و بازرگانی داشته که با ایجاد بازارچه‌های مرزی و تقویت آن، انگیزه‌های اقتصادی و تجاری لازم به عنوان پشتوانه جذب توریست فراهم می‌باشد. علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، فصل ۱۳، شماره ۱، زمستان ۱۳۸۳

گزارشی که از انگیزه‌های اصلی غالب سفرهای دسته‌جمعی و یا گروهی دفاتر خدمات مسافرتی در سال ۱۳۷۳ تهیه شده است، مؤید این نظر می‌باشد که خرید با ۵۴/۴ درصد کارکرد اصلی فعالیت توریستی در این سال بوده است. فصل ۱۳، شماره ۱، زمستان ۱۳۸۳

جدول شماره (۵): انگیزه‌های اصلی فعالیت‌های تورگردانی در سال ۱۳۷۲<sup>(۱۱)</sup>

انگیزه‌ها	درصد
خرید	۵۴/۲
زیارت	۱۹/۲
بازدید از اماکن	۹/۹
بازدید از آثار تاریخی، باستانی	۸/۵
بازدید از نقاط خوش آب‌وهوا	۵/۵
بازدید از مراسم قومی	۱/۵
استفاده از آبهای معدنی	۰/۷۸
بازدید از غارها	۰/۵۶
جمع	۱۰۰

همچنین بر اساس گزارش روابط عمومی راه و ترابری استان در ایام عید نوروز ۱۳۷۵ بعد از فعال شدن مجدد بازارچه مرزی در سیستان، حدود ۱۶۰ هزار نفر از زابل دیدن کرده‌اند که قطعاً بخش قابل توجهی از آنان در تعریف توریست جای می‌گیرند، که این امر نیز خود بیانگر نقش بازارچه‌های مرزی و کانونهای خرید در تحرک جمعیتی است.

### موقعیت تاریخی و تمدن باستانی سیستان در جذب جهانگرد:

وجود آثار تمدنهای باستانی در سیستان از جمله تمدنهای هخامنشی، اشکانی، ساسانی و تمدن آریایی با محوطه‌های باستانی مثل شهر سوخته، دهانه غلامان، کوه‌خواجه و... که هریک از آنها دارای جایگاه ویژه‌ای از سیر مدنیت در جهان برخوردارند، یکی دیگر از انگیزه‌ها در جذب توریست به این منطقه تلقی می‌شود. چرا که می‌دانیم کشف شهر سوخته به عنوان تمدنی فعال و پویا در هزاره سوم قبل از میلاد، خود حلقه اتصال بین تمدن ماوراءالنهر و سند در شمال و شرق بین‌النهرین و

مصر در غرب بود، است. چنانکه پروفیسور توزی باستان شناس معروف ایتالیایی معتقد است: با وجود این تمدن نه تنها حلقه مفقوده بین تمدنهای شرق و غرب کشف شد، بلکه می توان با استخراج آثار گرانهای مدفون شده در زیر خاکهای شهر سوخته حداقل ۱۰ الی ۱۵ موزه بزرگ دایر کرد که این خود سرمایه ای بس بزرگ در جذب جهانگرد ملی و منطقه ای خواهد بود.

توزی می افزاید: با توجه به حجم دفینه های شهر سوخته، اگر طی یک برنامه ریزی منظم، بخواهیم به استخراج و استحصال آثار باستانی شهر سوخته اقدام شود، حداقل یک دوره ۱۵۰ ساله برای این کار لازم خواهد بود، که البته در ازای هر سال برداشت سه سال نیز برای ترمیم و نگهداری محل آن وقت و زمان لازم خواهد بود که در مجموع ۴۵۰ سال با روز ۸ ساعت کار، جهت استخراج کل دفینه های این محوطه باستانی زمام لازم خواهد بود. که این نشانه غنای فرهنگی شهر سوخته و خود جلوه گاه دیگری از چشم اندازهای گردشگری سیستان به شمار می رود.<sup>(۱۲)</sup>

### دریاچه هامون و موقعیت زیست محیطی منابع آبی جذاب سیستان:

دریاچه هامون با وسعتی حدود ۷۲۸۰ کیلومتر مربع در خاک ایران و در سیستان، با دارا بودن جزایر (تختک) که خود یکی از بزرگترین دریاچه های آب شیرین در دنیا می باشد، دارای مناظر بی بدیلی از چشم اندازهای طبیعی و توریستی است. در آینده ای نه چندان دور با بهره برداری از جاده آسفالت زابل، نهبندان که از قلب این دریاچه می گذرد، می توان با ایجاد مجموعه های توریستی در کناره های آن، بر جذابیت و جلوه های ویژه آن افزود.<sup>(۱۳)</sup>

رودخانه هیرمند، سدها و کانالهای انشعاب آب از آن به اضافه چاه نیمه های چهارگانه سیستان با حجم بیش از ۱/۵ میلیارد متر مکعب و عمق متوسط ۱۵ متر آب و وجود مجموعه های توریستی دانشگاه سیستان و بلوچستان در کناره های آن، قابلیت دیگری از زمینه های توریستی سیستان به شمار می رود. علاوه بر جاذبه های گردشگری فوق الذکر، وجود محوطه های باستانی متعدد دیگری چون، رام شهرستان، کرکویه، حوض در، کندرک، قلعه تپه طاق، ترقون، سابوری، رامرود، برنگ، ابرشهر

... نشان‌گر غنای فرهنگی و جغرافیایی این سرزمین می‌باشد که با بازسازی، مرمت و بازآفرینی بخشی از آنها قابلیت‌های جذب جهانگردان در منطقه صد چندان خواهد شد.<sup>(۱۲)</sup>

### جمع‌بندی و راهبردهای پیشنهادی :

با توجه به آنچه گذشت، سیستان مجموعه‌ای غنی از آثار و ابنیه تاریخی، محوطه‌های باستانی، کارکردهای اقتصادی و بعضاً جاذبه‌های طبیعی در حاشیه کویر قابلیت‌های لازم را، در جهت بسط و توسعه صنعت گردشگری دارا است. که این امر با توجه به سایر محرومیتها و تنگناهای محیطی منطقه عطف توجه برنامه‌ریزان و سیاست‌گزاران ملی و منطقه‌ای را به منظور احیا و رونق این صنعت در جهت تحرک بخشیدن به فعالیتهای اقتصادی، اجتماعی و پویایی این ناحیه به خود می‌طلبد.

از این رو به نظر می‌رسد که می‌توان طرحها و برنامه‌های زیر را به عنوان مقدمه‌ای جهت ایجاد زمینه‌های لازم به منظور جلب توجه سیاست‌گزاران و برنامه‌ریزان اجرایی پیشنهاد نمود:

۱- اگر توریسم را به عنوان یک صنعت در جهت کسب درآمد از یک سو و تحکیم وحدت ملی و منطقه‌ای و تبادل فرهنگی از سوی دیگر بپذیریم، بهره‌گیری از قابلیت‌ها و جاذبه‌های تاریخی، فرهنگی، طبیعی هر منطقه در اولویت قرار خواهد گرفت؛ زیرا تنها از این طریق می‌توان بر برخی از موانع تاریخی و طبیعی جهت دست یافتن به توسعه غلبه یافت.

در سیستان به دلیل تنگناهای شدید محیطی که امکان فعال کردن بخش کشاورزی و صنعت در پاسخ به نیازهای فزاینده جمعیتی محدود است، صنعت توریسم خواهد توانست، مسیری تازه فراروی برنامه‌ریزان قرار دهد. لیکن به دلیل فقدان تأسیسات زیربنایی این صنعت لازم است در ابتدای امر بخش دولتی بسترهای لازم را از طریق سرمایه‌گذاری و حتی دادن یارانه برای تحرک بخشیدن به ایرانگردان داخلی فراهم آورد. تا در سایه تعاملات اجتماعی و تعادل فرهنگی، پیوندهای ملی استحکام بیشتر یابد. خوشبختانه در مصوبه جدید از طرح مطالعه آماده سازی ۱۷ منطقه تفرج‌گاهی

کشور که دارای جاذبه گردشگری است، بهره‌گیری از دریاچه هامون نیز لحاظ شده است، که امید است این خود زمینه‌ای برای گامهای بعدی باشد.

۲- فعال کردن بازارچه مرزی با حفظ منافع ملی جهت ایجاد انگیزه در جذب توریسم و تقویت پیوندهای ملی و منطقه‌ای پشتوانه‌ای بسیار مناسب و کارآمد خواهد بود.

۳- هدایت صنایع دستی استان در جهت تولید کالاهای توریست پسند نظیر: انواع سوزن‌دوزیها، پولک‌دوزی، سفالگری، قالیچه‌ها و ...

۴- ایجاد شهرک تاریخی در زابل و تبدیل آن به عرصه‌هایی از حماسه‌ها و تراژدی‌های کهن ملی در جهت عینیت بخشیدن به موقعیت تاریخی، حماسی، ملی سیستان به عنوان مظهر مدنیت و هویت ملی ایران باستان که در این رابطه به نظر می‌رسد با احداث و ایجاد دانشکده هنر و رشته‌های مورد نیاز (نمایش، بازیگری، تئاتر، مجسمه‌سازی، نقاشی و...) به تربیت نیروی کارآمد همت گماشته تا با تولید برنامه‌ها و فیلم‌های کارتنی، تئاتر، نمایشنامه و غیره ضمن ایجاد فضای لازم برای گذراندن اوقات فراغت جهانگردان، بخشی از نیازهای فرهنگی جامعه را نیز تأمین نمود و از این رهگذر صدا و سیمای کشور را از وابستگی به فرآورده‌های تولیدی مشابه خارجی بی‌نیاز نمود. که این امر ضمن جلوگیری از خروج ارز، از نفوذ فرهنگی بیگانگان بر فکر و ذهن فرزندان این آب و خاک خواهد کاست. و قطعاً تولیدات هنری داخلی به دلیل سنخیت فرهنگی بار ارزشی، زمینه پذیرش مطلوبتری را نیز فراهم خواهد نمود.

۵- ایجاد مجموعه‌های تفریحی در مسیر جاده زابل - نهبندان در داخل دریاچه هامون و اطراف کوه‌خواجه، که گردشگر ضمن استفاده از مناظر بدیع دریاچه، نیزارها، کوه‌خواجه، می‌تواند به ماهی‌گیری، شکار پرندگان، استفاده از میدانهای ورزشی، تفریحی، پلاژهای ساحلی، شنا و غیره بپردازد.

۶- با بازسازی و تجهیز تختکهای (جزایر کوچک) داخل دریاچه هامون و استفاده از توتن (نوعی قایق محلی که از نی ساخته می‌شود) می‌توان بر جذابیت های دریاچه هامون و پذیرش هر چه بیشتر توریست افزود.

۷- ایجاد موزه تاریخی ایران باستان در جوار شهر سوخته با توجه به دینه‌های فراوان و بی‌بدیل این منطقه و احیاء و بازسازی بخشهایی از مناظر تاریخی در خود شهر سوخته، دهانه غلامان، کوه خواجه و...

۸- ایجاد شهربازی در محدوده کوه‌خواجه و نصب تله‌کابین با استفاده از ارتفاعات کوه‌خواجه و...

۹- ایجاد پلاژهای ساحلی به انضمام مجموعه‌های ورزشی و تفریحی در کناره‌های چاه‌نیمه زابل و بهره‌گیری از مجموعه فرهنگی - سیاحتی دانشگاه سیستان و بلوچستان در این محدوده.

۱۰- بهره‌گیری از یادهای دوره‌ای ۱۲۰ روزه سیستان در جهت ایجاد مناظر جذاب مانند احیاء آسیابهای بادی، تولید انرژی الکتریکی و ...

نتیجه آنکه وجود سوابق تاریخی درخشان، موقعیت جغرافیایی مطلوب، آثار باستانی فراوان، جذبه‌های محیطی؛ ناحیه سیستان را بدان حد از قابلیت‌ها رسانده که می‌توان ادعا نمود که علی‌رغم تنگناهای محیطی، سیستان خود ایران کوچکی است. جهت بهره‌برداری از پتانسیل‌های بالقوه و موجود آن ضروری است که مدیریتی قوی و مستقل با اعتبارات و امکانات لازم در جهت اداره و بازآفرینی این موقعیت‌ها در نظر گرفته شود، تا انشاء... در آینده‌ای نه چندان دور شاهد تحولی جدی در بافت (اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی...) ساخت (موقعیت‌ها و جذابیت‌های فرهنگی، تاریخی باستانی، زیست محیطی و...) در سیستان باشیم.

## منابع و یادداشتها:

- ۱- سالنامه آماری کشور - مرکز آمار ایران، سال ۱۳۷۳ ص ۳۹۲
- ۲- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی - روابط عمومی معاونت امور سیاحتی و زیارتی، بولتن خبری شماره ۱۵ ص ۵
- ۳- حرّی، عباس: ایران در انتهای جدول حفظ میراث فرهنگی، روزنامه اطلاعات، خرداد ۱۳۷۳ ص ۱۱
- ۴- مأخذ شماره ۱، ص ۳۸۳
- ۵- مأخذ شماره ۲، ص ۱۰
- ۶- همان مأخذ، ص ۱۱
- ۷- مأخذ شماره ۲، ص ۱۰
- ۸- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی - روابط عمومی معاونت امور سیاحتی و زیارتی، بولتن خبری شماره ۱۷، سال ۱۳۷۴، ص ۳
- ۹- استخراج از نشریات ادواری ذکر شده در جدول مذکور توسط نگارنده گان:
- ۱۰- مأخذ شماره ۸، ص ۱۹
- ۱۱- مأخذ شماره ۲، ص ۱۳
- ۱۲- پرفسور تیزی: اشاره ای است به سخنان وی در حاشیه همایش استانشناسی سیستان و بلوچستان در محل شهر سوخته، سال ۱۳۷۵
- ۱۳- ر.ک. ابراهیم زاده عیسی: مقدمه ای بر جغرافیای تاریخی سیستان، پایان نامه کارشناسی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، دانشکده ادبیات، سال ۱۳۶۹، ص ۷۴
- ۱۴- ابراهیم زاده، عیسی: دریاچه هامون و نقش حیاتی آن در مسائل اقتصادی، اجتماعی و اکولوژیک سیستان، مجله آب و محیط زیست، شماره ۱۳-۱۲، خرداد ۱۳۷۴، ص ۴۷